

# اخراج کارگران مهاجر، تولید را زمین می‌زند

شواهد نشان می‌دهد اخراج گسترده نیروی کار افغان در بخش‌هایی مانند ساختمان، کشاورزی و خدمات جایگزین ناپذیر است و نبودشان رکود و کاهش تولید را به دنبال دارد



حضور چندین ساله مهاجران افغان در ایران، هُن ها را بدل به جزوی جدایی ناپذیر از فرهنگ اشتغال ما کرده است و خلأ حضور آنها خیلی زود احساس می‌شود

«محمدآقا» در محل زندگی‌اش، غریبه و مهاجر نیست؛ مورد اعتماد همه اهالی است، اعتبار و نفوذ دارد و خیلی‌ها یک نسخه از کلیدهای خانه خود را به او می‌سپارند تا زمانی که سر کار هستند، برای نظافت و خرده کاری‌های خانه برود. محمدآقا سال‌هاست که در تهرانسر تهران، کار نظافت منازل و دفاتر و مغازه‌ها را انجام می‌دهد؛ کارش روبه‌راه است و درآمدش هم بد نیست، اما یازهم نگرانی‌های بسیار دارد؛ نگرانی بابت روزهای پیری و از کارافتادگی، نگرانی از آینده‌فرزندش که این روزها مدام می‌گوید «درس خواندن ما چه فایده دارد، من می‌خواهم درس را ول کنم و مثل تو سر کار بروم…» و البته نگرانی همیشگی از تمدید‌نشدن کارت اقامت و اخراج؛ اخراج بعد از ۲۵ سال، از جایی که بیشتر از وطن به او نزدیک است؛ به جایی که دیگر وطن تلقی نمی‌شود، چون کاملاً غریبه و ناآشناست.

### روایتی از سال‌ها حسرت

او که سال‌ها در آرزوی یک بیمه ساده تأمین اجتماعی بوده و حالا مدتی است که با بالا رفتن سنش از کار رسمی برای شرکت‌ها و بیمه شدن قطع امید کرده، از نگرانی‌های همیشگی‌اش روایت می‌کند: «۷ سال در یک شرکت خدماتی کار کردم؛ کمترین حقوق را به من می‌دادند، سخت‌ترین کارها را هم من انجام می‌دادم اما هیچ‌وقت بیمه‌نشدم؛ هر وقت اسم بیمه می‌آوردم کارفرما که به لطف کار ما چند آپارتمان در غرب تهران خریده بود، می‌گفت افغانستانی که بیمه ندارد…»

محمد ادامه می‌دهد: «در آن شرکت خدماتی کارگرانی بودند که سابقه کارشان از من کمتر بود، از سر و ته کارشان هم همیشه می‌زدند، مشتری‌ها هم از آن‌ها راضی نبودند اما با همه این‌ها بعد از چند ماه بیمه شدند. ولی من ۷ سال انتظار کشیدم آن‌هم بی‌فایده؛

با اینکه مهاجر قانونی بودم و کارت اقامت داشتم که هر سال تمدید می‌شد اما هیچ‌وقت من را بیمه نکردند؛ بازرس هم که می‌آمد، می‌گفتند مهاجر است اما قانونی…»

محمدآقا بعد از ۷ سال کار سخت با کمترین حقوق در یک شرکت خدماتی که روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شد، از کار کردن برای دیگران –به قول خودش بیگاری مفت برای دیگران–انصراف داد؛ مشتری‌ها و مردم از او خیلی راضی بودند، بنابراین تصمیم گرفت برای خودش کار کند. «حالا که بیمه نیستم و حتی یک دفترچه درمانی ندارم، چرابرای خودم کار نکنم؟ مردم من را می‌شناسند و به من کار می‌دهند، چرا به کارفرمایی سود برسانم که حاضر نیست من را بیمه کند…» او ماه‌های گذشته را با یک نگرانی تازه به سر برده؛ ترس از اخراج: «هر بار در محله‌راه می‌رفتم، می‌ترسیدم من را به جرم افغانستانی بودن بگیرند و ببرند اردوگاه. مدتی است حتی مترو سوار نشده‌ام، می‌گویند آنجا مهاجران را می‌گیرند؛ باور می‌کنید من و خانواده‌ام حتی پارک سر میدان آینده در غرب تهران، یک روایت منحصر به فرد نیست؛ بیشتر کارگران افغانستانی مقیم ایران، این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها را بارها و بارها با پوست و استخوان لمس کرده‌اند؛ سال‌ها کار سخت بدون بیمه و در ماه‌های اخیر ترس دائمی از اخراج و بازگرداندن اجباری به جایی که فقط روی شناسنامه نامش وطن است.

### آمارها در خصوص کارگران اتباع

آمارها در مورد حضور اتباع در ایران متفاوت است اما بنا بر آخرین اعلام وزارت کشور، مجموعاً بیش از ۶ میلیون نفر اتباع خارجی در ایران زندگی می‌کنند. در ماه‌های اخیر به‌خصوص بعد از جنگ ۱۲ روزه، روند اخراج اتباع

## تبعات خروج شتاب‌زده اتباع

و به هیچ‌وجه حقیقت ندارد.

جست‌وجو در اطراف و پیگیری وضعیت واحدهای تولیدی و خدماتی در بخش‌های مختلف، به خوبی نشان می‌دهد که خروج کارگران مهاجر نه‌تنها گره‌گشانی‌نبوده بلکه در موارد بسیاری به رکود تولید و توقف فعالیت دامن زده است. «علیزاده»، کارفرمای چند گلخانه تولید سبزی و میوه در اسلامشهر است؛ او که بعد از اخراج چند کارگر افغانستانی خود به مشکل برخورد، می‌گوید: «جوانان بومی منطقه حاضر به کار سخت در گلخانه نیستند. من کارگران و سرایداری داشتم که بسیار قابل اعتماد و کاری بودند، اما در عرض چند هفته ۵ نفر از ۷ نفر آن‌ها به اجبار روانه اردوگاه‌های مرزی شدند. حالا دستم در حنا مانده است و کارم زمین خورده.»

این کارفرما اضافه می‌کند که در منطقه اسلامشهر، کارگاه‌های بسیاری به‌خصوص در بخش کشاورزی از اخراج کارگران مهاجر ضربه خورده‌اند و سرمایه‌های بسیاری معطل مانده است.

در نیمه‌های مرداد، ایرج رهبر، رئیس انجمن انبوه‌سازان استان تهران نیز طی سخنانی که در رسانه‌های افغانستانی با‌تأب گسترده‌ای داشت، گفته است: «با بیرون شدن کارگران افغانستانی از ایران، کار ساخت‌وساز کمتر شده و برخی از پروژه‌ها دچار وقفه شده‌اند.»

از ایران شدت گرفته است؛ بر اساس آمارها در یکی دو ماه اخیر، بیش از ۷۰۰ هزار مهاجر افغانستانی از ایران اخراج شده‌اند؛ به گفته رسانه‌ها، روزانه حدود ۱۷ هزار نفر از ۲ مرز دوغارون و میلک خارج می‌شوند. بر پایه گزارش یونیسف، تنها در ماه ژوئن ۲۰۲۵، بیش از ۲۵۶ هزار افغان از طریق مرز اسلام‌قلعه در نزدیکی هرات از ایران به افغانستان بازگشته‌اند که در روزهای پایانی ماه، میانگین روزانه تا ۲۰ هزار نفر نیز رسیده است.

سوم شهریور، وزیر کشور از استمرار طرد اتباع غیرمجاز تا پایان حضور آنان در کشور خبر داد و گفت: حدود ۲ میلیون نفر از اتباع غیرمجاز همچنان در کشور حضور دارند که بازگرداندن آن‌ها بر اساس برنامه‌ریزی‌های دقیق ادامه خواهد یافت. اسکندر مؤمنی در گفت‌وگویی اختصاصی در سمنان با اشاره به روند بازگرداندن اتباع غیرمجاز گفت: «حدود ۷۰ درصد از افرادی که امسال بازگشته‌اند، خودمعرف بوده‌اند و برنامه‌های بازگرداندن بقیه نیز با دقت در حال اجراست.» او اظهار داشت: «از ابتدای سال جاری تاکنون نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از اتباع غیرمجاز خارجی به کشور خود بازگشته‌اند.»

وزیر کشور با بیان اینکه با وجود روابط تاریخی و اشتراکات فرهنگی گسترده با کشورهای همسایه، ظرفیت پذیرش کشور محدود است و این موضوع باید رعایت شود، تصریح کرد: «حدود ۲ میلیون نفر از اتباع غیرمجاز همچنان در کشور حضور دارند که بازگرداندن آن‌ها بر اساس برنامه‌ریزی‌های دقیق ادامه خواهد یافت.»

در روزهای پایانی مرداد، سیدمالک حسینی، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد: «تا پایان خرداد ۱۴۰۴، در مجموع ۴۳۳ هزار و ۴۹۱ نفر نیروی کار خارجی شناسنامه‌دار در ایران فعالیت دارند؛ که این

رقم نسبت به ۲۴ میلیون نیروی شاغل ایرانی تنها حدود ۲ درصد از بازار کار را تشکیل می‌دهد. از این تعداد، کمتر از ۱۰ هزار نفر نیروی کار متخصص خارجی و حدود ۴ هزار و ۲۵۰ نفر نیروی کار خارجی غیرمتخصص محسوب می‌شوند. عمده نیروی کار خارجی فعال در بازار کار ایران یعنی نزدیک به ۴۳۳ هزار نفر از اتباع افغانستان هستند که کمتر از سه هزار و ۵۰۰ نفر آن‌ها در بخش کارفرمایی و بقیه با کارت کار فعالیت می‌کنند.» او با اشاره به توزیع نیروی کار خارجی در بخش‌های مختلف، صحبت‌هایش را این‌گونه تکمیل کرد: «۵۲ درصد از آنان در حوزه ساختمان، نزدیک به ۱۹ درصد در صنعت، ۱۱.۱ درصد در کشاورزی و حدود ۰.۷ درصد در معدن مشغول به کار هستند.» این مقام مسئول، یک ماه قبل‌تر در ۲۲ تیرماه سال جاری، در رابطه با سهم کارگران افغانستانی از بازار کار کشور آمار نسبتاً تازه‌ای ارائه کرده است. به گفته او، آمارها حاکی از آن است که جمعیت فعال ایرانی را حدود ۲۱ میلیون نفر شامل ۱۷ میلیون مرد و چهار میلیون زن تشکیل می‌دهند. در این بین یادو تا سه میلیون نفر شاغل افغان روبه‌وهستیم که حدوداً دو میلیون نفرشان به صورت قانونی یا غیرقانونی فعال هستند. به این ترتیب، سهم مهاجران افغان از کل نیروی کار ایران تقریباً ۱۰ درصد برآورد می‌شود، که فقط حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر (معادل ۲ درصد بازار کار) آن‌ها مجوز کار رسمی دارند و مابقی به صورت غیررسمی فعالیت می‌کنند و حتی بیمه ندارند.

برآورد‌های آماری که از سوی این مقام مسئول بیان شده، نشان می‌دهد ۵۲ درصد مهاجران افغان در بخش‌هایی فعالند که به تعبیر کارشناسان در دسته مشاغل دشوار، کثیف و خطرناک قرار می‌گیرند، مشاغلی که ایرانی‌ها رغبت چندانی برای کار در آن‌ها ندارند.

### راهکار چیست ؟

در مردادماه امسال، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی تحلیلی تحت عنوان «نقش کارگران مهاجر در بازار کار ایران، یک پژوهش شواهدمحور» بر اساس بازبینی دقیق بازار کار و در نظر گرفتن شواهد عینی بسیار اعلام کرد: «سناریوی اخراج گسترده اتباع افغانستانی که طی سال‌ها به‌عنوان نیروی کار تکمیلی در بدنه تولید ایران جا افتاده‌اند، به‌طور ساختاری یک شوک منفی به اقتصاد وارد می‌کند. تجربه‌ها و مطالعات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد حذف ناگهانی نیروی کار مهاجر، ظرفیت تولید را کاهش می‌دهد، هزینه‌ها را بالا می‌برد و حتی می‌تواند به افت رشد منجر شود.» این گزارش، راهکار مؤثر در برخورد با کارگران مهاجر را «قانونمندسازی هوشمند» می‌داند که شامل مواردی مانند اعطای مجوز کار، ارتقای مهارت و شمول قوانین بیمه‌ای و مالیاتی است.

به نظر می‌رسد سیاست اتباع غیرمجاز همچنان ادامه دارد، اما صرف‌نظر از اینکه برخی کارشناسان و فعالان به این سیاست از منظر سازوکارهای گاه‌خشن اجرایی و نحوه انجام آن انتقاداتی دارند، قرار است به موازات آن یک استراتژی اجتماعی و اقتصادی دیگر نیز در دستور کار قرار بگیرد: «بیمه کردن و رسمیت‌بخشیدن به کارگران مهاجر قانونی.» در روزهای گذشته، انصاری، معاون وزیر صمت در یک برنامه تلویزیونی گفت: «اتباع بخشی از بدنه تولید کشور هستند، به‌عنوان معاون وزیر صمت درخواست دارم در سامنده‌ی اتباع خارجی، هیچانی برخورد نشود.» حتی صحبت از مهارت‌آموزی کارگران مهاجر و حضور آن‌ها در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای به میان آمده است؛ برای نمونه، غلامحسین محمدی، معاون وزیر کار اخیراً گفته است: «هر کشوری در سطح خود به نیروی کار خارجی نیاز دارد. ما ظرفیت این را داریم که بیش از یک تا دو میلیون نیروی کار خارجی در کارهای خدمات‌رسان به کار بگیریم. افغان‌ها در مشاغلی فعالیت می‌کنند که ایرانی‌ها تمایلی به فعالیت در آن ندارند. کارگران اتباع باید به سازمان فنی و حرفه‌ای بیایند، آموزش ببینند و مجوز کار دریافت کنند.»

در مجموع باید گفت، راهکار صحیح در برخورد با پدیده‌ای به نام کارگران مهاجر، همان قانونمندسازی به شیوه‌ای هوشمند است؛ به این معنا که اقامت کارگران مهاجر ثبت شود، به آن‌ها مجوز کار و فعالیت داده شود، مهارت‌آموزی آن‌ها در دستور کار قرار بگیرد، بیمه شوند و مالیات بپردازند. به گفته احسان سهرابی، بیمه کردن کارگران اتباعی که تولید کشور به آن‌ها نیاز دارد، هم به نفع بازار کار ایران است و هم به‌صندوق تأمین اجتماعی سود می‌رساند. از سوی دیگر، بساط بهره‌کشی و استثمار کارفرمایان از این کارگران را برمی‌چیند. او تأکید می‌کند که سیاست‌های فعلی در برخورد با کارگران اتباع، نیازمند بازنگری جدی و ساختاری است.

# اشتغال

## ۵

A T I V E N O

یادداشت

O P I N I O N



محسن باقری

نماینده کارگران در مذاکرات مزدی

## سهم بزرگ مسکن از دست‌مزد کارگران

داده‌ها و اطلاعات رسمی و غیررسمی نشان می‌دهد که هزینه‌های مسکن، چیزی بیش از ۵۰ درصد درآمد ماهانه خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد؛ این سهم برای کارگران شاغل و بازنشسته، در شهرهای بزرگ و کلانشهرها بیشتر است و گاه به ۸۰ درصد هم می‌رسد. بر اساس آمارهای بانک مرکزی ایران، در سال ۱۴۰۲، هزینه‌اجاره‌بهدار شهرهای بزرگ مانند تهران، مشهد و اصفهان به‌طور متوسط بین ۴۰ تا ۶۰ درصد درآمد خانوارها را به خود اختصاص داده است.

بر اساس مطالعه‌ای که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۴۰۱ انجام شد، بیش از ۵۰ درصد خانوارهای مستأجر در شهرهای بزرگ، بیش از نیمی از درآمد خود را صرف پرداخت اجاره می‌کنند.

این موضوع باعث می‌شود بسیاری از خانواده‌ها نتوانند پس‌انداز کنند یا برای آینده برنامه‌ریزی مالی داشته باشند.

همچنین، بر اساس گزارش بانک مرکزی، در سال ۱۴۰۲، بیش از ۴۰ درصد خانوارهای مستأجر مجبور شده‌اند برای پرداخت اجاره، از هزینه‌های ضروری مانند آموزش و سلامت بکاهند. به نظر می‌رسد این آمارهای اعلام شده از سوی نهادهای رسمی، مربوط به متوسط سهم مسکن از درآمد خانوارهاست و در ارزیابی صورت گرفته، همه‌دهک‌های درآمدی مد نظر قرار گرفته‌اند، اما اگر فقط کارگران شاغل و بازنشسته را مد نظر قرار دهیم، این سهم بالاتر می‌رود. سهم مسکن از دست‌مزد کارگران، به‌طور متوسط بیش از ۶۰ یا ۷۰ درصد است و در این میان، برای کارگران حداقل‌بگیر، کارگرانی که ساکن پایتخت یا کلانشهرها هستند و همچنین کارگران روزمزد، فصلی و فاقد بیمه، این سهم بالاتر از سایر گروه‌های طبقه کارگر است. در واقع به نظر نمی‌رسد هیچ کجا این سهم کمتر از این ارقام باشد. افزایش سهم مسکن در سبد معیشت خانوارهای کارگری، روندی است که از سال‌های ابتدایی ۱۴۰۰ آغاز شده و موجب شده کارگران بسیاری به دلیل هزینه‌های بالای اجاره‌خانه، از شهرهای بزرگ به حاشیه‌ها یا به شهرستان‌ها مهاجرت کنند یا از سر اجبار به سکونت در آپارتمان‌های کوچک، بی‌کیفیت و یا حتی اشتراکی روی آورند. افزایش نرخ اجاره‌خانه در شهرهای بزرگ، موجب بروز پدیده‌های جدیدی مانند آپارتمان‌های اشتراکی، ماشین‌خوابی یا پشت بام خوابی و الونک‌نشینی شده است. این پدیده‌ها که همگی جلوه‌هایی نامطلوب از بدمسکنی هستند، در کلانشهرها رواج یافته‌اند. این در حالی است که براساس الزامات وقواعد صریح اصل ۳۱ قانون اساسی، دولت متولی تأمین مسکن شایسته برای همه شهروندان با اولویت روستانشینان و کارگران است اما امروز کارگران باید دو یا سه شیفت در هر روز کار کنند تا بتوانند اجاره‌خانه بپردازند و یک سرپناه امن برای خانواده خود فراهم سازند. در موارد بسیاری نیز مجبور می‌شوند از محله محل سکونت خود به مناطق پایین‌تر یا حاشیه‌ای مهاجرت کنند یا تن به زندگی در خانه‌های بی‌کیفیت‌تر بدهند.